

## حال و هوای نقاشی‌های دیجیتال علیرضا ذاکری ضیافتی به رنگ خط و نقش



**گروه فرهنگی / حدود ۳۰ سال است که در حوزه نقاشی دیجیتال فعالیت دارد. خودش هم معتقد است مهارت نقاشی دیجیتال را مدیون کسب هنر خوشنویسی، عکاسی حرفه‌ای و گرافیک است. نمایشگاه «ضیافت خطر، رنگ و نقش» که دوشنبه ۲۹ آذرماه در گالری ابوالفضل عالی افتتاح شد حاصل تلاش‌های علیرضا ذاکری است. نمایشگاهی که شامل ۴۲ اثر از نقاشی‌های دیجیتال او هست که از سال ۹۵ تاکنون در رسانه‌ها و مجلات کشور منتشر شده‌اند. گفت‌وگو با این هنرمند نقاش درباره این ضیافت را با هم می‌خوانیم.**

### ■ در نمایشگاه شما خط، رنگ و نقش چه ضیافتی به پا کرده‌اند؟

به واسطه اینکه سال‌ها نقاشی کرده‌ام در همه کارهایم سوی انتخاب سبک کارم همیشه سعی کردم بخش فنی و تخصصی کار، جلوه ویژه‌ای داشته باشد. در آثارم از دهه ۶۰ تاکنون عنصر خط که پایه طراحی است، دیده می‌شود. در واقع وقتی نقاشی می‌کشم انگار طراحی می‌کنم. آثاری که با رنگ، خط شکل‌ها به وجود می‌آید. انگار ضیافتی از خط و رنگ را می‌بینید.

### ■ روایت نمایشگاهتان را تعریف کنید؟

این کارها به غیر از چند اثر که پرتزه نیست، بقیه آثار، منتخبی از نقاشی‌های دیجیتال است که از سال ۹۵ برای مجلات و رسانه‌ها کار کردم. عمده این ۴۲ اثر پرتزه شخصیت‌های فرهنگی، ادبی و برخی عرفا است که برای روز مجلات مطرح کشور طراحی کردم. تعدادی از این آثار در سال جاری طرح ملی شده است. سعی کردم در این پرتزه‌ها به کیفیت و استایلی هنری برسد که برای مخاطب هم آورده داشته باشد.

**■ شخصیت‌های پرتزه‌هایتان خیلی متفاوتند. از شهدای انقلاب مثل شهید رجایی و مطهری می‌بینیم تا شهدای دفاع مقدس مثل شهید همت و نیز شهدای ترور مثل سردار سلیمانی و شهید منتظرالمهدی و... در کنار اینها تابلوهایی از زرویی نصرآبادی، نیما یوشیج یا محمدرضا حکیمی را می‌بینیم. درباره این تفاوت روایت توضیح دهید؟**

این اتفاق به‌خاطر تنوع سفارش‌های مطبوعاتی است. دوره‌ای برای نشریات علوم انسانی نقاشی می‌کردم و بالطبع چهره اندیشمندان مثل محمد رضا حکیمی، در آثارم دیده می‌شود تا شهید مطهری و رضا اردکانی. پرتزه‌های فراوانی از اندیشمندان را نقاشی کرده‌ام. در سال ۹۶ در تالار اجلاس صدا و سیما به مناسبت کنگره علوم انسانی، نمایشگاهی برگزار شد که شامل ۳۵ پرتزه از اندیشمندان بود، بعضی آثار هم برگزیده جشنواره‌ها بوده‌اند. آثاری هم هستند که موضوع دارد. مثلاً طراحی بستن چاه نفت که در نمایشگاه گذاشته‌ام. این اثر در پنجمین جشنواره مقاومت برگزیده نقاشی دیجیتال شد، یا تابلوی واقعه مباحله. تم این تابلو حال و هوای آثار هنری قدیمی را دارد. نوع و سبک این کارها سایر کارها متفاوت است.

### ■ بعضی آثار تیترو و شرح دارد. آیا برای درک و فهم بهتر تابلو این روایت را نوشید؟

خیر. من برای تابلوهام هیچ توضیحی نداده‌ام. این تیتروها و عناوین، فرم پوستری به آثار داده و از طرف سفارش‌دهنده طراحی و منتشر شده است. ممکن بود برخی چهره‌ها را مخاطبین شناسند. بهتر بود که نقاشی‌ها، به همان شکل پوستری در نمایشگاه ارائه شود.

**■ تابلویی که عکس آقای سلحشور را در آن کشیده‌اید یادآور همان فرمانده تنهایی کمیل است. مهدی نریان در فیلم پرواز در شب را می‌گویم. با سایر آثارتان خیلی متفاوت است، درباره‌اش توضیح دهید؟**

روی طراحی‌هایم وقت می‌گذارم و برایم مهم است که نتیجه‌نهایی چه فرم و استایلی داشته باشد. اگر این فیلم را دیده باشید، چهره آقای سلحشور در این پلان کار دیده می‌شود. پشت سر ایشان در این صحنه خاکریز قرار دارد و صورتش زخمی است. نسخه با کیفیتی از فیلم را پیدا

و این دریافت شما هم درست است. اینها از دسترس آن زیر خط و سطح پایین دور می‌شوند یا برده می‌شوند یا عدم دسترسی را می‌توان به این تصاویر داشت.

### ■ این دوره از نمایشگاهتان با دوره‌های قبلی خیلی متفاوت بود. چطور شد به این سبک از کار روی آوردید؟

این دوره از نمایشگاه را متفاوت از دوره‌های قبلی برگزار کردم. دوره‌های نمایشگاه‌های قبلی را به موضوع شبانی و چوپانی و گله می‌پرداختم. همان فرهنگ چوپانی که در اشعار شعری کلاسیک بسیار است و در زندگی انبیا هم بود. و من به این موضوع خیلی پرداختم. مخاطبانم بیشتر مرا با این آثار می‌شناختند. با شروع دوران کرونا و بعد از وقفه‌ای که در کارم افتاد بهانه‌ای شد تا آرام آرام این کار را انجام دهم. این کار برایم جذابیت بسیار داشت. حتی در اوایل کارم این آثار را در فضای مجازی هم نگذاشتم. دوسالی بود که نمایشگاهی برگزار نکردم و پس از شکل‌گیری این آثار و برگزاری این نمایشگاه و نظر مخاطبان و اهل فن که برایشان بسیار جذاب بود، با چنین مضمونی به این کار ادامه خواهم داد.

### ■ منظورتان از مضمون، طبیعت بی‌جان است؟ اما طبیعت شما جان و به قولی حرف دارد.

بله. مضمون طبیعت بی‌جان در طول تاریخ بسیار کار شده است. اما با این نوع نگاه و با این شکل بیانی سابقه نداشته یا کم بوده است. از آن جهت برای من هم پنجره‌ای گشوده شد و برای من هم جذاب‌تر شده است. برای بهتر شدن و غنی‌تر شدن آثارم با این مضامین فکرهای بسیاری دارم.

### ■ حرف از موضوع آثارتان با صورت چوپان و گله زردید به نظر می‌رسد این طرز تفکر در این آثار هم دیده می‌شود. در تابلوهایی کلابی



**هم این نمادها حضور دارد؛ کلابی‌های زرد نماد انسان‌های خوب و آدم‌های روشن ضمیر است که البته در هر دوره‌ای در ادبیات ما چنین مضامینی می‌خورد. تداعیگر همان معنای انسان‌ها آرزوست.**

بله از این زاویه هم می‌توان نگاه کرد. همان ظرف میوه بزرگ که پایینش سطح تیره باریکی است و در گوشه سمت راست یک فیگوری پیدا شد که دستش یک سبک است و در تاریکی است و می‌خواهد به سمت چپ تابلو بیاید. و این اشارات هم در این تابلوها هست. با این اوصاف

پسند و مخاطب نظرات بسیار جالبی از دریافت‌هایشان دارند. مخاطبان خاص از نظر تکنیکی و خلاقیت و نوآوری نگاه می‌کنند و مخاطب عام که علاقه به نقاشی دارد در دنبال مفهوم و اشارات است. هر کار هنری اگر کیفیت لازم را چه از نظر بصری و زیبایی‌های ظاهری باید داشته باشد و

اگر این مفاهیم هم در آن یگنجد و پیامی هم داشته باشد می‌تواند در تاریخ بماند و موفق باشد و از مسئولیتی که بر عهده هنر است بخوبی انجام دهد.



گفت و گو با جواد نوبهار استاد هنرهای تجسمی درباره نمایشگاه جدیدش

## طبیعتی که جامعه را تفسیر می‌کند

مریم سادات گوشه  
روزنامه‌نگار

بعدی میوه‌ها همه در حال تخریبند. کدر و تیره هستند. بادمجان‌هایی که سرش بریده شده است. یا مثلثی از انواع میوه‌های خوش آب و رنگ که یک عده سوار کار با تیزه‌هایشان آن را دوره کرده‌اند. درباره تصاویر تابلوهایتان و این تفاوت‌ها توضیح دهید.

نمادهای خوش آب و رنگ تعدادشان محدود است. اکثر ترکیب‌ها با عنصرهای رو به تخریب است. ولی آن سه کار متفاوت، آن همه نعمت‌های خوش آب و رنگ نشانه نعمتی است که در هر جامعه‌ای می‌تواند باشد. آن تابلویی که دور پر ملت میوه پر از سوار کار ایستاده‌اند برای من نامش شکارگاه امن بود. آن سوارکارها هر یک نماد یک ملیت است. هر یک می‌خواهند از این نعمت‌ها بهره ببرند. اینها نظاره‌گر گوه نعمت هستند. یک تیرگی و سیاهی پایین این میوه‌هاست. این نشانه دو فضای کاملاً

نمایشگاه «چرا خنجرها سایه ندارند» جمعه سوم دی ماه در گالری ساریان افتتاح شد. نمایشگاهی متفاوت از جواد نوبهار نقاش و استاد دانشگاه که این بار به طبیعتی بی‌جان به گونه‌ای جان داده است و مفاهیمی اجتماعی و فرهنگی که در آن گنجانده است که دیگر نمی‌توان سبک کار او را طبیعت بی‌جان نامگذاری کرد. به قول خودش «مضمون طبیعت بی‌جان در طول تاریخ بسیار کار شده است. اما با این نوع نگاه و با این شکل بیانی سابقه نداشته یا کم بوده است.» با جواد نوبهار راجع به آثارش اینکه چرا خنجرهایش سایه ندارند، به گفت‌وگو نشستیم.

### ■ در ابتدا درباره این بگویید که چرا خنجرهایتان سایه ندارند؟

وقتی تابلوی نقاشی‌هایم کامل شد، دیدم تنها چیزهایی که در آثارم سایه ندارند، همان چاقوها هستند. برای همین تصمیم گرفتم عنوان «خنجرها سایه ندارند» را برای مجموعه آثارم انتخاب کنم. گرچه این ظاهر معنای این عنوان است اما در باطن، بحث عمیق‌تری در آن نهفته است. لبه تیغ نوعی تهدید و تخریب است به طوری که کاری انجام می‌دهد که دیگر ردی از آن نماند. حضور و جسمیت چاقو هست اما سایه‌ای ندارد.

**■ نام نمایشگاه معمولاً چکیده‌ای از تفکر هنرمند است. در آثارتان نمود این تهدید و تخریب که گفتید به گونه‌ای نمایان است که مخاطب هم با آن هم‌ذات‌پنداری می‌کند درباره فلسفه کارتان بیشتر توضیح دهید؟** این مجموعه خیلی ساده شروع شد و در ابتدا اصلاً برنامه از پیش تعیین شده‌ای نداشتم. چون بعد از مدت‌ها کار نکردن بامیوه‌ها و بیابان‌های کوچک کار را شروع کردم و رفته رفته کارم جدی‌تر شد. بحث تهدید و تخریب عملاً با ظاهر شدن میوه و چاقو که همیشه همراه میوه است شکل گرفت. اینها همراه هم کمک کردند. در ادامه کار بافت میوه‌ها که در بیرون از یخچال خراب می‌شوند برایم جذابیتی ایجاد کرد.

و به مثابه مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه است. البته بیشتر مسائل اجتماعی. خیلی دوست نداشتم مستقیماً به موضوع اشاره کنم. اما در قالب و ظاهر میوه این قضیه شکل گرفت. تهدید و تخریب در روابط اجتماعی جامعه در حال وقوع و جریان است. انسان‌ها در برابر ناملایمات و مشکلات از درون رو به تخریبند. من اینها را در قالب میوه می‌دیدم و اینکه هم ظاهر موضوع برایم جذابیت داشت و هم باطن آن که البته برای مخاطب هم این جذابیت ایجاد شد. این تهدید و تخریب واضح‌الحال را در آثار می‌بینیم.

گاهی اتفاقاتی می‌افتد و اثر و ردی از عنصر تهدید و تخریب نیست و ما نمی‌دانیم که چه اتفاقی افتاده است اما نشانه آن خرابی و تخریب بوده است. این مورد را عیناً در مسائل ساده زندگی روزمره می‌بینیم. در این دوره از کارها به چنین نتیجه بصری تبدیل شدند و من فکر می‌کنم چیزی که باید اتفاق می‌افتد به وقوع پیوسته است. چون مخاطبان بسیاری در این باره صحبت کردند و توانستند با آن ارتباط برقرار کنند.

و چرا آنها تعدادشان کم است و در بالادست و رنگ و روی خوبی دارند؟ چنین ذهنیتی درحالی که از یک عنوان برخوردارند اما آنهایی که پایینند در حال تخریبند. در اجتماع این تفاوت‌ها را حس می‌کنیم و می‌بینیم.

**■ بله در اجتماع این مورد برای همه آدم‌ها صدق نمی‌کند. در هر جامعه‌ای اینگونه هست. به نظر می‌رسد جامعه‌ای که در آثارتان نمود دارد و پررنگ‌تر ظهور کرده یک جامعه جهانی است؟**

بله بیشتر مسأله انسانی و جامعه بشری است. هنر وسعتی دارد که اگر به کیفیت لازم در بیان برسد، فرارگیر خواهد بود. و شامل تمام انسان‌ها می‌شود و گستردگی بیشتری پیدامی‌کند.

**■ میوه‌ها در آثار شما دو دسته‌اند. یک دسته در ظرف‌ها آتقدر روی هم متنوع چیده شده‌اند و با لاله آمده‌اند با همان طراوت و زیبایی که آدم را جذب خود می‌کند ولی در تابلوی بعدی می‌بینیم که در کنار ظرف، میوه‌ای است که طراوتش را از دست داده است و رو به پوسیدگی است. یاد تابلوهایی**



### ■ گفتید مثل گذشته سفارش کار نمی‌دهند؟

بله. اوضاع مطبوعات مثل گذشته نیست. از توزیع چند عدد روزنامه برای کیوسک‌های روزنامه فروشی، پیداست که نشریات تیراژ زیادی ندارند که بخواهند نقاشی روی جلد هم سفارش بدهند. اما در دیگر کشورها این اتفاق خیلی رایج است و سردبیران می‌پسندند که روی جلد نشریات‌شان، نقاشی باشد. نشریات مطرحی چون تایمز، نیوزویک، اکونومیست و... به نقاشی روی جلد اهمیت می‌دهند. در ایران هم اوضاع بد نبود. نقاشی عینیت عکس را کنار می‌زند و مخاطب می‌تواند به باطن شخصیت پرتزه نزدیک شود. بعضی عکاسان هم با زاویه خوب و نورپردازی عکس‌های فوق‌العاده‌ای می‌گیرند.



هنر آینه‌کاری. همیشه با خودم می‌گفتم بین نقاشی سنتی و آستره خیلی فاصله است؛ به همین دلیل

تجربیات نقاشی من بعد از تحصیلات دانشگاهی و دوره‌های متعددی که پیش استادان مختلف و صاحب‌سبک گذرانده‌ام همه و همه در راستای همین سبک است. علاقه من به سبک آستره رهایی و آزادی من در هنگام کار بدون هیچ قید و بندی با حس درونی و رؤیایگونه من است یعنی خود رنگ سیاه و سفید در کنار آینه کاری تلفیق نقاشی آستره با آینه کاری است. تلفیقی که همیشه ذهن من را درگیر خود کرده بود تا سرانجام این ایده به اجرا درآمد.

ایده این مجموعه جدید چند سالی بود که ذهنم را درگیر کرده بود. من عاشق هنر قدیمی ایرانی هستم،

شروع به اجرای ایده خود کردم. اولین ایده این هنر ۵ سال بعد از اتمام کلاس‌هایم در دهنم خظور کرد. بعد از آن یک مجموعه کوچکی از آینه کاری ساختم و در نمایشگاه آرت ورد اتاقم در اتاق آینه‌کاری هتل بود این هنر بی‌نظیر بود تمام در و دیوار اتاق از آینه کاری سنتی پوشیده بود واقعا بی‌نظیر بود. مثل یک موزه بود. بعد از آن تصمیم گرفتم هنر آینه کاری را با نقاشی‌های خود ترکیب کنم. من از زمان هنرستان نقاشی می‌کردم در دانشگاه هم نقاشی خواندم. بعد از آن نزد نصرالله مسلمیان رفتم و هشت سال هم نقاشی آستره را تکمیل کردم. هنر آینه کاری را یاد گرفتم و را نشان می‌دهد.

عاطفه محمد پور  
نقاش و طراح

در مجموعه «من رؤیا را زیسته‌ام» که عصر جمعه دهم دی ماه در گالری زاله افتتاح شد، طرح‌های منظم و هندسی‌وار قطعات کوچک و بزرگ آینه‌ها در کنار نقاشی آستره را با رنگ سیاه و سفید تلفیق کرده‌ام که نمایانگر ذهنیت من است که دنیای اطراف مخاطب را رؤیایگونه می‌کند. فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشگاه مازندران هستم. اولین مجموعه نمایشگاهم را سال ۱۳۹۳ در گالری سلمان برگزار کردم. بعد از آن در بیش از ۲۰ نمایشگاه گروهی در داخل و خارج ایران شرکت کردم و توانستم در سال